

الساندرو دورانتی

انسان شناسی زبان شناختی



ترجمہ ریضا مقدم کیا



انسان شناسی زبان شناختی

- سرشناسه: دیورنتی، آلساندرو، ۱۹۵۰ - م. Duranti, Alessandro
 عنوان و پدیدآور: انسان‌شناسی زبان شناختی / آلساندرو دیورنتی؛
 ترجمه‌ی رضا مقدم‌کیا.
 مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۳۹۵.
 مشخصات ظاهری: ۵۷۹ ص.
 شابک: 978-964-185-467-8
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
 یادداشت: **Linguistic Anthropology: a Reader.** عنوان اصلی:
 موضوع: زبان‌شناسی انسان‌شناختی، Anthropological linguistics
 شناسه افزوده: مقدم‌کیا، رضا، ۱۳۳۹ - ، مترجم.
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ الف ۸ / ۵۹ P۳۵
 رده‌بندی دیویی: ۳۰۶/۴۴۰۸۹
 شماره کتابخانه ملی: ۴۲۶۰۲۱۸

•
الساندرو دورانتی
•

افسان شناسی
زبان شناختی

•
ترجمه‌ی رضا مقدم‌کیا



نشرنی

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان



نشرنی

انسان‌شناسی زبان‌شناختی

الساندرو دورانتی

مترجم رضا مقدم‌کیا

عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه تهران

ویراستار الهه عین‌بخش

چاپ اول، تهران، ۱۳۹۵

تعداد ۵۰۰ نسخه

چاپ و صحافی پردیس دانش

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،

به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)

بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

شابک ۹۷۸ ۹۶۴ ۱۸۵ ۴۶۷ ۸

www.nashreny.com

فهرست مطالب

پیش‌گفتار نویسنده.....	۱۱
پیش‌گفتار مترجم.....	۱۵
۱. فصل اول. گستره‌ی انسان‌شناسی زبان‌شناختی.....	۱۷
۱.۱ تعریف.....	۱۸
۲.۱ مطالعه‌ی کنش زبانی.....	۲۲
۳.۱ انسان‌شناسی زبان‌شناختی و رشته‌های دیگر.....	
در علوم انسانی و علوم اجتماعی.....	۳۰
۱.۳.۱ انسان‌شناسی زبان‌شناختی و جامعه‌شناسی زبان.....	۳۵
۴.۱ دغدغه‌های نظری در انسان‌شناسی زبان‌شناختی معاصر.....	۳۷
۱.۴.۱ کنش.....	۳۷
۲.۴.۱ اشارت‌گری.....	۴۱
۳.۴.۱ مشارکت.....	۴۶
۵.۱ نتیجه.....	۴۸
۲. فصل دوم. نظریه‌های فرهنگ.....	۵۱
۱.۲ فرهنگ متفاوت از طبیعت.....	۵۳
۲.۲ فرهنگ در حکم دانش.....	۵۸
۱.۲.۲ فرهنگ در حکم دانش توزیع‌شده در اجتماع.....	۶۳

۳.۲	فرهنگ در حکم ارتباط	۶۶
۱.۳.۲	لوی-استراوس و رویکرد نشانه‌شناختی	۶۷
۲.۳.۲	کلیفورد گیرتز و رویکرد تعبیری	۷۱
۳.۳.۲	رویکرد اشارت‌گری و فراکاربردشناسی	۷۳
۴.۳.۲	استعاره در حکم نظریه‌ی عامیانه درباره‌ی جهان	۷۴
۴.۲	فرهنگ در حکم نظامی برای وساطت	۷۶
۵.۲	فرهنگ در حکم نظام عمل	۸۲
۶.۲	فرهنگ در حکم مشارکت	۸۶
۷.۲	پیش‌بینی و تعبیر	۸۷
۸.۲	نتیجه	۹۰
۳	فصل سوم. گونه‌گونی زبانی	۹۳
۱.۳	زبان در فرهنگ: سنت بوآس	۹۴
۱.۱.۳	فرانس بوآس و استفاده از زبان‌های بومی	۹۵
۲.۱.۳	سایپر و جست‌وجو برای منطق درونی زبان	۱۰۰
۳.۱.۳	بنجامین لی وُرف، جهان‌بینی و مقوله‌های پنهان	۱۰۲
۲.۳	نسبیت زبانی	۱۰۶
۱.۲.۳	زبان در حکم عینی‌سازی جهان: از هومبولت تا کاسیرر	۱۰۹
۲.۲.۳	زبان در حکم راهنمای فهم جهان: استعاره	۱۱۲
۳.۲.۳	اصطلاحات مربوط به رنگ و نظریه‌ی نسبیت	۱۱۳
۴.۲.۳	زبان و علم	۱۱۶
۳.۳	زبان، زبان‌ها و گونه‌های زبانی	۱۲۰
۴.۳	گنجینه‌ی زبانی	۱۲۲
۵.۳	جوامع گفتاری، ناهمگنی زبانی و ایدئولوژی‌های زبانی	۱۲۴
۱.۵.۳	جامعه‌ی گفتاری: از آرمانی‌سازی تا ناهمگنی زبانی	۱۲۵
۲.۵.۳	جوامع گفتاری چندزبانه	۱۳۰
۳.۵.۳	تعریف‌های مختلف از جامعه‌ی گفتاری	۱۳۴
۶.۳	نتیجه	۱۴۰

۱۴۳	فصل چهارم. روش های مردم‌نگاری
۱۴۴	۱.۴ مردم‌نگاری
۱۴۵	۱.۱.۴ مردم‌نگاری چیست؟
۱۴۹	۱.۱.۱.۴ مطالعه‌ی مردم در جامعه
۱۵۴	۲.۱.۴ مردم‌نگار در حکم میانجی فرهنگی
	۳.۱.۴ مردم‌نگاری تا چه اندازه باید مبسوط باشد؟
۱۶۰	همکاری و کامل‌کنندگی در پژوهش‌های مردم‌نگاری
۱۶۴	۲.۴ دو نوع زبان‌شناسی میدانی
۱۶۶	۳.۴ مشاهده‌ی مشارکتی
۱۷۱	۴.۴ مصاحبه
۱۷۲	۱.۴.۴ بوم‌شناسی فرهنگی مصاحبه
۱۷۶	۲.۴.۴ انواع مصاحبه
۱۸۲	۵.۴ شناسایی و کاربرد زبان(های) بومی
۱۸۵	۶.۴ نوشتن تعامل
۱۸۹	۱.۶.۴ یادداشت‌برداری به هنگام ضبط
۱۹۱	۷.۴ ضبط الکترونیکی
۱۹۲	۱.۷.۴ آیا حضور دوربین بر تعامل تأثیر می‌گذارد؟
۱۹۵	۸.۴ اهداف و نظام اخلاقی کار میدانی
۱۹۸	۹.۴ نتیجه
۲۰۱	۵. فصل پنجم. گفتارنویسی: از نوشتن تا تصاویر رقمی شده (رایانه‌ای)
۲۰۳	۱.۵ نوشتار
۲۰۸	۲.۵ واژه در حکم واحد تحلیل
۲۱۲	۱.۲.۵ واژه در حکم واحد تحلیل در پژوهش‌های انسان‌شناختی
۲۱۴	۲.۲.۵ واژه در زبان‌شناسی تاریخی
۲۱۷	۳.۵ فراسوی واژه
۲۱۹	۴.۵ موازین قابل قبول بودن
۲۲۳	۵.۵ قالب‌ها و قواعد گفتارنویسی

۲۳۴	۶.۵ اشکال دیگر بازنمایی دیداری به غیر از نوشتار
۲۳۵	۱.۶.۵ بازنمایی ایما و اشاره‌ها
۲۴۱	۲.۶.۵ بازنمایی سازمان مکانی و دسترسی دیداری طرف‌های درگیر در تعامل
۲۴۳	۳.۶.۵ تلفیق متن، نقاشی و تصویر
۲۴۷	۷.۵ ترجمه
۲۵۶	۸.۵ گوینده‌ی غیربومی در مقام پژوهشگر
۲۵۷	۹.۵ خلاصه‌ی مطالب فصل
۲۵۹	۶. فصل ششم. معنی در صورت‌های زبانی
۲۶۰	۱.۶ روش صوری در تحلیل زبان‌شناختی
۲۶۲	۲.۶ معنی در حکم رابطه‌ی بین نشانه‌ها
۲۶۶	۳.۶ برخی خصوصیات بنیادی آواهای زبانی
۲۶۸	۱.۳.۶ واج
۲۷۳	۲.۳.۶ امیک و اتیک در انسان‌شناسی
۲۷۷	۴.۶ روابط مجاورت: از واج تا تکواژ
۲۸۲	۵.۶ از ساخت‌واژه تا قالب‌بندی رویدادها
۲۸۷	۱.۵.۶ حالت‌های بنیادین و سلسله‌مراتب ویژگی‌ها
۲۹۶	۲.۵.۶ قالب‌بندی رویدادها از رهگذر ساخت‌واژه‌ی فعلی
۳۰۰	۳.۵.۶ سلسله‌مراتب موضوعیت
۳۰۲	۴.۵.۶ انواع جمله و ساخت محمولی ترجیحی
۳۰۳	۵.۵.۶ حالت متعدی در دستور و گفتمان
۳۱۰	۶.۶ فراگیری دستور در مطالعات جامعه‌پذیری زبان
۳۱۲	۷.۶ آگاهی فرازبانی: از معنای دلالتگر تا کاربردشناسی
۳۱۶	۱.۷.۶ معنای کاربردی ضمائر
۳۱۹	۸.۶ از نماد تا شاخص
۳۲۰	۱۸.۶ تصویرگری در زبان
۳۲۴	۲۸.۶ شاخص‌ها، متغیرها و عبارت‌های اشاری
۳۲۶	۱.۲.۸.۶ معنی اشارتگر و بر ساخت زبانی جنسیت
۳۳۰	۲.۲.۸.۶ سرنخ‌های بافت‌مندسازی
۳۳۲	۹.۶ نتیجه

۳۳۵	فصل هفتم. سخن گفتن در حکم عمل اجتماعی
۳۳۶	۱.۷ مالینوفسکی: زبان در حکم کنش
۳۴۱	۲.۷ رویکردهای فلسفی به زبان در حکم کنش
۳۴۲	۱.۲.۷ از آستین تا سرل: کنش-گفتار در حکم واحد کنش
۳۵۳	۱.۱.۲.۷ کنش-گفتارهای غیرمستقیم
۳۵۴	۳.۷ نظریه‌ی کنش-گفتار و انسان‌شناسی زبان‌شناختی
۳۵۷	۱.۳.۷ صدق
۳۶۰	۲.۳.۷ نیت
۳۶۴	۳.۳.۷ نظریه‌ی محلی از شخص
۳۶۸	۴.۷ بازی زبانی در حکم واحد تحلیل
۳۷۸	۵.۷ نتیجه
۳۸۱	۸. فصل هشتم. تبادلات مکالمه‌ای
۳۸۴	۱.۸ طبیعت متوالی واحدهای مکالمه‌ای
۳۹۰	۱.۱.۸ جفت‌های مجاور
۴۰۲	۲.۸ مفهوم ترجیح
۴۰۵	۱.۲.۸ ترمیم و تصحیح
۴۰۸	۲.۲.۸ پرهیز از تبیین‌های روان‌شناختی
۴۱۰	۳.۸ مکالمه‌کاوی و مسئله‌ی «بافت»
۴۱۴	۱.۳.۸ ادعای خودسامانی
۴۱۹	۲.۳.۸ مسئله‌ی ربط
۴۲۵	۴.۸ معنی گفت‌وگو
۴۲۹	۵.۸ نتیجه
۴۳۳	۹. فصل نهم. واحدهای مشارکت
۴۳۵	۱.۹ مفهوم فعالیت در روان‌شناسی ویگوتسکی
۴۳۹	۲.۹ رویدادهای گفتاری: از کارکردهای گفتار تا واحدهای اجتماعی
۴۴۸	۱.۲.۹ مطالعات مردم‌شناختی رویدادهای گفتاری

۴۵۴	 مشارکت	۳.۹
۴۵۵	 ساختار شرکت‌کنندگان	۱.۳.۹
۴۵۷	 چارچوب‌های مشارکت	۲.۳.۹
۴۷۴	 چارچوب شرکت‌کننده	۳.۳.۹
۴۸۴	 آفرینندگی، قصدمندی و برساختِ مشترک تعبیر	۴.۹
۴۹۴	 مشارکت در زمان و مکان: بدن انسان در محیط ساخته‌شده	۵.۹
۵۰۳	 نتیجه	۶.۹
۵۰۷	 فصل دهم. سخن آخر	۱۰.۱
۵۰۸	 زبان لازمه‌ی بشربودن	۱.۱.۱
۵۰۹	 داشتن زبان	۲.۱.۱
۵۱۳	 زبان عمومی و زبان خصوصی	۳.۱.۱
۵۱۶	 زبان در فرهنگ	۴.۱.۱
۵۱۷	 زبان در جامعه	۵.۱.۱
۵۱۹	 کدام زبان؟	۶.۱.۱
۵۲۱	 منابع	
۵۵۹	 نمایه‌ی نام‌ها	
۵۶۷	 نمایه‌ی موضوع	

پیش‌گفتار نویسنده

انسان‌شناسی زبان‌شناختی در چند دهه‌ی اخیر تغییر و تحول چشمگیری کرده است. در کتاب حاضر برخی از ویژگی‌های اساسی این تغییر و تحول را معرفی می‌کنم. در این کتاب، کوشیده‌ام به‌جای نوشتن رساله‌ای جامع در معرفی انسان‌شناسی زبان‌شناختی و تاریخچه و سیر تحول آن، گزینشی عمل کنم و از طرح عناوین و موضوعاتی اجتناب کنم که احتمالاً موجب تقویت تصویر، به‌باور من کلیشه‌ای، از انسان‌شناسان زبان‌شناختی می‌شود. در آن تصویر کلیشه‌ای، انسان‌شناس زبان‌شناختی متخصص توصیف‌گرای ناآشنا با نظریه‌پردازی ترسیم می‌شود که چیزهایی درباره‌ی تحلیل واجی، زبان‌شناسی تاریخی و زبان‌های «ناآشنا» می‌داند و می‌تواند این نوع مطالب را به دانشجویان انسان‌شناسی که تمایلی به گذراندن این نوع درس‌ها در گروه‌های زبان‌شناسی ندارند تدریس کند. این کتاب رساله‌ای جامع برای انسان‌شناسان فرهنگی و دیگر دانشمندان علوم اجتماعی نیست تا «هر چیزی-را-که-همیشه-مایل-بوده‌اید-درباره‌ی-زبان-بدانید-اما-از-پرسیدن-آن-بیم-داشته‌اید» دربر بگیرد، بلکه گزارشی از پژوهش‌های معاصر درباره‌ی زبان و فرهنگ از منظری خاص است. این دیدگاه از آن خود من است؛ هم‌چنین بازتابی است از کار جمعی از پژوهشگران فعال در گروه‌های آموزشی انسان‌شناسی، زبان‌شناسی، زبان‌شناسی کاربردی، جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی عامه، مطالعات کمش، فلسفه، موسیقی‌شناسی قومی و مطالعات ارتباطی پژوهشگرانی که من در

این کتاب از کارها و آثارشان مفصلاً استفاده کرده‌ام چه خود را کارورزان انسان‌شناسی زبان‌شناختی بدانند چه ندانند، جملگی زبان را به‌مثابه منبعی فرهنگی و سخن‌گفتن را به‌منزله‌ی عملی فرهنگی مطالعه می‌کنند. مردم‌نگاری را عنصری اساسی در تحلیل‌های خود می‌دانند و از منابع فلسفی گوناگون در علوم اجتماعی و علوم انسانی الهام می‌گیرند. مضمونی که آن‌ها را یکی می‌کند تأکیدشان بر فعالیت‌های ارتباطی به‌مثابه عنصر شکل‌دهنده‌ی فرهنگ زندگی روزمره و دیدگاهی مشترک به زبان است که آن را ابزاری نیرومند می‌داند نه صرفاً بازتابنده‌ی واقعیت‌های اجتماعی که در جای دیگری شکل گرفته‌اند.

تأکیدی که در این کتاب بر تاریخچه، منطق و نظام اخلاقی پژوهش می‌شود، در زبان‌شناسی نامعمول است، اما در میان انسان‌شناسان امری معمول؛ چراکه ایشان مدت‌های طولانی با سیاست‌های مربوط به عرضه‌ی نتایج تحقیق و تأثیر آن بر جوامع مورد مطالعه سروکار داشته‌اند.

همانند دیگر نویسندگان کتاب‌های مقدماتی مجبور بودم برای هر فصل، بخش یا بند از میان راه‌ها و روش‌های ممکن برای ارائه‌ی یک مفهوم دست به انتخاب بزنم، بین مطالب کتاب و حوزه‌های دیگر ارتباط برقرار کنم و نیز از منابع دیگر یا از کارهای تحقیقی خودم مثال‌های مناسب بیابم. ساده‌بودن توضیح و ادای دین به منابع تاریخی اغلب در تضاد با یک‌دیگر قرار می‌گرفتند و من از این واقعیت آگاهم که به اندازه‌ی کافی به بسیاری از نویسندگان و برخی موضوعات مهم پرداخته‌ام. به‌خصوص به سه حوزه‌ی تغییر زبان، زبان‌شناسی منطقه‌ای^۱ و زبان‌های پی‌چین و کریول که به‌طور سنتی به انسان‌شناسی زبان‌شناختی مربوط‌اند، کم‌تر پرداخته‌ام. باین حال، در کتاب‌های دیگر این مجموعه، از جمله *جامعه‌شناسی زبان* هادسون و *زبان‌شناسی تاریخی* باینون به این حوزه‌ها و عناوین مرتبط با آن‌ها پرداخته شده است. هم‌چنین درباره‌ی برخی مفاهیم شناخته‌شده‌ی کاربردشناختی هم‌چون استلزام‌های مکالمه‌ای و پیش‌انگاشت‌ها سخنی

نگفته‌ام، زیرا این مفاهیم نیز در همین مجموعه در کتاب‌های کاربردشناسی لوینسون و تحلیل‌گفت‌مان براون و یول به اندازه‌ی کافی مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. سرانجام این‌که به آثار و نوشته‌های بالنده‌ی مربوط به جامعه‌پذیری زبان و آثار بسیار تأثیرگذار اخیر در زمینه‌ی مطالعه‌ی سواد و آموزش نیز کم‌تر توجه کرده‌ام که امیدوارم مطابق خواست خوانندگان، در کتاب‌های آینده‌ی این مجموعه درباره‌ی این حوزه‌های مهم نیز بحث و بررسی کافی به عمل آید.

کتاب حاضر از یک نظر دیگر هم مکمل سایر کتاب‌های این مجموعه است، یعنی از نظر توجهی که به فرهنگ و روش‌های مطالعه‌ی آن نشان می‌دهد. یک فصل کامل به نظریه‌های جاری درباره‌ی فرهنگ اختصاص دارد و دو فصل هم درباره‌ی روش است، یک فصل درباره‌ی مردم‌نگاری و یک فصل هم درباره‌ی گفتارنویسی^۱ گفت‌وگوهای واقعی. سرانجام من چندین مدل‌واره^۲ (تحلیل ساخت‌گرا، نظریه‌ی کنش-گفتار، مکالمه‌کاوی) را از منظر سهم‌شان در بسط نظریه‌ی انسان‌شناختی از زبان مورد بحث قرار داده‌ام.

این کتاب برای تدریس در سطوح بالاتر دوره‌های کارشناسی و سمینارهای مقدماتی دوره‌های کارشناسی ارشد انسان‌شناسی زبان‌شناختی یا (آن‌گونه که اغلب گفته می‌شود) دروس «زبان و (یا در) فرهنگ» مناسب است. مدرسان علاقه‌مند به چالش می‌توانند برخی از فصل‌های مربوط به فرهنگ و ارتباطات را برای سطوح پایین‌تر دوره‌های کارشناسی تدریس کنند. برای نمونه، خود من فصل‌های مربوط به نظریه‌های فرهنگ و مردم‌نگاری را به دانشجویان جدیدالورود تدریس کردم و در این کار تا اندازه‌ای موفق بوده‌ام. همه‌جا بر این باورم که مدرسان می‌توانند هر نوع خلأ موضوعی، روش‌شناختی و نظری را که در بخش‌های مختلف کتاب مشاهده می‌کنند، به‌راحتی با دادن مقالات یا منابع اضافی به دانشجویان جبران کنند. سرانجام این‌که فصل‌های کتاب مستقل از یک‌دیگر تنظیم و نوشته شده‌اند؛ از این رو، دانشجویان و پژوهشگران علاقه‌مند به مسائل

1. transcription

2. paradigm

یا مدل‌واره‌های منفرد می‌توانند کتاب را گزینشی مطالعه کنند، بدون آن‌که احساس کنند چیزی را از دست داده‌اند.

وقتی در دانشگاه رُم دانشجوی دوره‌ی کارشناسی بودم، فهمیدم که کتاب‌خانه‌ی کوچکی در طبقه‌ی سوم دانشکده‌ی ادبیات و فلسفه هست که پر از کتاب و مجله درباره‌ی زبان است؛ کتاب‌ها و مجلاتی که نام بعضی از آن‌ها را قبلاً هرگز نشنیده بودم. هرچه بیش‌تر با افرادی که پیوسته به آن‌جا می‌آمدند آشنا می‌شدم (مدرسان، دانشجویان و استادان مهمان از بخش‌های دیگر ایتالیا یا از کشورهای دیگر)، نوعی حس کنجکاوی درباره‌ی دانش و معرفت موجود در آن توصیف‌های پُرمایه از پدیده‌های زبانی در من به‌وجود می‌آمد. تجارب بعدی‌ام (در مقام دانشجوی تحصیلات تکمیلی، پژوهشگر میدانی، معلم و پژوهشگر دانشگاهی) در کنجکاوی اولیه‌ی من برای صورت‌های زبانی و توصیف آن‌ها تغییری ایجاد نکرد. در این مدت، حس دیگری هم در من پا گرفت، یعنی تعهد به درک و فهم زبان در حکم عقیده، ابزار و شالوده‌ای برای هر نوع تجربه‌ی انسانی. همین تعهد است که کوشیده‌ام در این کتاب بیانش کنم.

پیش‌گفتار مترجم

انسان‌شناسان در اوایل قرن بیستم میلادی در ایالات متحده‌ی آمریکا پژوهش درباره‌ی زبان در ارتباط با فرهنگ و بافت‌های اجتماعی زندگی روزمره آغاز کردند. با این حال، نظریه‌ها و روش‌های پژوهش در این حوزه‌ی میان‌رشته‌ای که انسان‌شناسی زبان‌شناختی نام دارد، در اواخر آن قرن و در قرن حاضر تدوین و معرفی شد. درس‌نامه‌ی حاضر از اولین کتاب‌هایی است که انجام این وظیفه‌ی خطیر را برعهده گرفته و کوشیده است از رهگذر طرح موضوعات مختلف مورد بحث در حوزه‌های زبان و فرهنگ، اصول و رویکردهای این حوزه را به‌نحوی قابل فهم برای خوانندگان تشریح کند.

کتاب حاضر پس از تألیف همواره یکی از منابع درسی دانشجویان رشته‌ی انسان‌شناسی دانشگاه‌های دنیا و نیز ایران بوده است. از این رو امیدوارم ترجمه‌ی آن موجب شود این کتاب در دسترس عده‌ی بیش‌تری از دانشجویان این رشته و رشته‌های مرتبط از جمله رشته‌های مختلف علوم اجتماعی و زبان‌شناسی قرار گیرد. در مکاتبه با نویسنده‌ی کتاب حاضر، مقاله‌ای با عنوان «زبان به مثابه فرهنگ در انسان‌شناسی ایالات متحده: سه مدل‌واره»¹ برای من فرستاد و گفت اگر قرار بود در کتاب خود تجدید نظر کند، احتمال داشت این مقاله را در فصلی جداگانه به کتاب اضافه کند. این مکاتبه زمانی

1. "Language as Culture in U.S. Anthropology: Three paradigms", in *Current Anthropology*, volume 44, Number 3, June 2003.

انجام شد که ترجمه‌ی کتاب به آخر رسیده بود. از این‌رو ترجمه‌ی آن مقاله در آینده یا جداگانه یا در چاپ بعدی کتاب حاضر منتشر می‌شود.

در این جا لازم می‌دانم از ریاست محترم نشر نی و سایر همکاران‌شان قدردانی و سپاس‌گزاری کنم که برای چاپ هرچه بهتر و دقیق‌تر این کتاب صمیمانه کوشیدند. به‌ویژه لازم می‌دانم از جناب آقای علیرضا خالقی تشکر کنم که کل متن را خواندند و نکات ارزشمندی را گوشزد کردند. با این حال، اگر لغزش یا خطایی در ترجمه باشد، مسئولیتش برعهده‌ی مترجم است.

فصل اول

گستره‌ی انسان‌شناسی زبان‌شناختی

فرض آغازین کتاب حاضر آن است که انسان‌شناسی زبان‌شناختی به واسطه‌ی دستاوردهای گذشته‌اش و به همان اندازه، به سبب چشم‌اندازی که گروهی نسبتاً کوچک اما فعال از پژوهشگران بین رشته‌ای در آثار خود از آینده به دست می‌دهند، حوزه‌ای مستقل و شایسته‌ی بررسی و تأمل است. تأملات این پژوهشگران درباره‌ی ماهیت زبان به مثابه ابزار اجتماعی و سخن گفتن در حکم عمل فرهنگی، حوزه‌ای از تحقیق و تفحص را شکل داده که درک جدیدی از سنت‌های گذشته و حال در علوم انسانی و علوم اجتماعی فراهم آورده است و همگان را به بازاندیشی رابطه‌ی زبان و فرهنگ فرامی‌خواند.

وقتی گفته می‌شود انسان‌شناسی زبان‌شناختی حوزه‌ای میان‌رشته‌ای است، منظور آن است که عمده‌ی حوزه‌ی تحقیقش برگرفته از رشته‌های علمی مستقل دیگر است؛ به‌ویژه دو حوزه‌ای که نامش را از آن‌ها گرفته است، یعنی زبان‌شناسی و انسان‌شناسی. در این فصل برخی از وجوه این میراث فکری را معرفی می‌کنیم و وجوه دیگر آن را در فصل‌های بعد به بحث می‌گذاریم. هم‌چنین در این فصل نشان می‌دهیم که انسان‌شناسی زبان‌شناختی طی چند دهه‌ی گذشته به هویت فکری مستقلی دست یافته است. هدف اولیه‌ی این کتاب توصیف این هویت مستقل و نیز شرح اهمیت آن در

ارتقای درک ما از زبان است نه فقط به مثابه شیوه‌ای برای اندیشیدن، که بیش از هر چیز به مثابه عملی فرهنگی؛ یعنی به منزله‌ی شکلی از کنش که هم روش‌های بودن در این جهان را پیش فرض دارد هم پدیدآورنده‌ی آن‌هاست. فقط در بستر چنین دیدگاهی به زبان است که انسان‌شناسی زبان‌شناختی می‌تواند کماکان خلاقانه بر حوزه‌هایی تأثیر بگذارد که شکل‌گیری‌اش را وام‌دار آن‌هاست و در همین حال، نقش و سهم منحصر به فرد خود را در درک ما از انسان و انسان‌بودن ایفا کند.

۱.۱ تعریف

نظر به وجود برداشت‌های مختلف از انسان‌شناسی زبان‌شناختی (و مترادف آن زبان‌شناسی انسان‌شناختی)^۱، لازم است در این‌جا تعریف مورد نظر ما در این کتاب روشن شود. از آن‌جا که کل کتاب به معرفی این حوزه اختصاص دارد، تعریف آن در آغاز کار مرا در موضعی نسبتاً دشوار قرار می‌دهد و نمی‌توانم امیدوار باشم که در چند اظهار نظر مقدماتی بتوانم حق مطلب را در معرفی وجوه متعدد و زیر حوزه‌های این رشته ادا کنم. با این‌همه، ضروری است از نوع کاری که در این حوزه انجام می‌شود تعریفی هر چند اجمالی به دست دهیم. از این رو، بحث را با تعریف کوتاهی از انسان‌شناسی زبان‌شناختی آغاز می‌کنم و در ادامه‌ی فصل می‌کوشم تا آن را بسط و گسترش دهم و از سادگی ظاهری‌اش پرده بردارم. در این‌جا باید متذکر شوم که بخش عمده‌ی آنچه

۱. دو اصطلاح «انسان‌شناسی زبان‌شناختی» و «زبان‌شناسی انسان‌شناختی» در گذشته کمابیش به صورت مترادف به کار برده شده‌اند و هر نوع کوششی در جهت ریشه‌یابی تمایزات معنایی یا عملی خطر بازنویسی تاریخ را به همراه دارد. هایمز (Hymes 1964c, 1963) کوشید در شماری از مقالاتی که در اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ تألیف کرد، کاربرد اصطلاح انسان‌شناسی زبان‌شناختی را تثبیت کند. اما حتا در آثار خود هایمز هم که تاریخ‌نگار دقیقی است، بعضاً این دو اصطلاح به‌تأویب به کار برده شده‌اند. در مقدمه‌ی *زبان در فرهنگ و جامعه*، هنگامی که محدوده‌های این حوزه را تعریف می‌کند، «انسان‌شناسی زبان‌شناختی» را به کار می‌برد (Hymes 1964a: xxiii) و هنگامی که از تأثیر بوآس (Boas) سخن می‌گوید، هم انسان‌شناسی زبان‌شناختی هم زبان‌شناسی انسان‌شناختی را به کار می‌برد: «بوآس و دیگران شکل‌دهندگان انسان‌شناسی زبان‌شناختی در آمریکا» و در بند بعدی، «بوآس و دیگران (Boas et al. 1916) سبکی را معرفی می‌کنند که هم معرف کار میدانی بوآس هم یک یا چند نسل از زبان‌شناسان انسان‌شناختی آمریکایی است.....» (p. 23).

در این کتاب، حوزه‌ی کار انسان‌شناسی زبان‌شناختی معرفی می‌شود زبان‌شناسی قومی^۱ نیز نام دارد؛ اصطلاحی که هرچند در اواخر دهه‌ی ۱۹۴۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۵۰ با اقبال چندانی در ایالات متحده روبه‌رو نشد (Olmsted 1950; Garvin and Riesenbergs 1952)، در دانش‌پژوهی اروپا کاملاً متداول بوده^۲ و دلیل آن احتمالاً تبعیت از همان ترجیح کلی اروپای قاره‌ای به استفاده از «قوم‌شناسی» و اصطلاحات هم‌ریشه‌ی آن به جای «انسان‌شناسی»^۳ بوده است. در ادامه‌ی فصل روشن می‌شود که ترجیح من در انتخاب «انسان‌شناسی زبان‌شناختی» به جای «زبان‌شناسی انسان‌شناختی» و «زبان‌شناسی قومی»، بخشی از تلاش آگاهانه‌ام است برای تحکیم و بازتعریف مطالعه‌ی زبان و فرهنگ در حکم یکی از زیرحوزه‌های مهم انسان‌شناسی. در تعریف هایمز از این حوزه با عنوان «مطالعه‌ی گفتار و زبان در بستر انسان‌شناسی» نیز همین دیدگاه مستتر است (Hymes 1963: 277).

به بیان ساده، انسان‌شناسی زبان‌شناختی در این کتاب در حکم مطالعه‌ی زبان به‌مثابه ذخیره‌ای فرهنگی و سخن‌گفتن به‌مثابه عملی فرهنگی معرفی می‌شود. انسان‌شناسی زبان‌شناختی در مقام حوزه‌ای اساساً بین رشته‌ای هم‌متکی بر روش‌های متداول در حوزه‌های دیگر به‌ویژه زبان‌شناسی و انسان‌شناسی است هم آن روش‌ها را بسط و گسترش می‌دهد. هدف کلی آن فراهم‌آوردن درکی از وجوه گوناگون زبان به‌مثابه مجموعه‌ای از اعمال فرهنگی است، یعنی نظامی ارتباطی که بازنمایی‌های

1. ethnolinguistics

۲. کاردونا (Cardona 1973, reprinted 1990: 13-44) خویشاوندان این کلمه‌ی انگلیسی را در زبان‌های دیگر ذکر می‌کند؛ ازجمله روسی *etnolingvistika*، فرانسه *ethnolinguistique*، آلمانی *Ethnolinguistik*، اسپانیایی *etnolingüística* و پرتغالی *etnolinguística*. کاردونا خودش هم سرانجام به تبعیت از این سنت اروپایی در مقدمه‌ای که برای معرفی این حوزه نوشت، کاربرد *linguística antropológica* را به نفع *etnolinguística* کنار گذاشت (Cardona 1976).

۳. مالدینوفسکی نیز در نوشته‌های اولیه‌اش از اصطلاح *ethnolinguistic* استفاده کرد؛ هنگامی که تصریح کرد: «نیاز مبرمی به نظریه‌ی زبان‌شناسی قومی احساس می‌شود، نظریه‌ای برای هدایت پژوهش‌های زبان‌شناسی که باید در میان بومیان و در ارتباط با مطالعات قوم‌نگاری به انجام رسد» (Malinowski 1920: 69) (به نقل از Hymes 1964c: 4).

میان‌روان‌شناختی^۱ (میان‌فردی) و درون‌روان‌شناختی^۲ (درون‌فردی) از نظم اجتماعی را ممکن می‌سازد و به افراد کمک می‌کند از این بازنمایی‌ها برای کنش‌های اجتماعی پایه‌ای^۳ استفاده کنند. انسان‌شناسی زبان‌شناختی در تلاش است تا با الهام از کار شماری انسان‌شناس پیشرو در نیمه‌ی اول قرن بیستم که زبان را به دغدغه‌ی نظری محوری و ابزار ضروری انسان‌شناسی فرهنگی تبدیل کردند، گزارش‌هایی برپایه‌ی مردم‌نگاری از ساخت‌های زبانی فراهم آورد، آن‌گونه که مردم واقعی در زمان و مکان واقعی به کار می‌برند. این سخن به این معنی است که انسان‌شناسان زبان‌شناختی افراد مورد مطالعه (سخن‌گویان زبان) را در وهله‌ی اول کنشگر اجتماعی می‌دانند؛ یعنی اعضای جوامعی خاص که به طرز شگفت‌انگیزی پیچیده‌اند و هریک در قالب نهادهای اجتماعی مختلف و از رهگذر شبکه‌ای دارای تلاقی اما نه لزوماً دارای هم‌پوشی از انتظارات، باورها و ارزش‌های اخلاقی درباره‌ی جهان سازمان پیدا کرده‌اند.

برخلاف تعاریف اولیه از این حوزه و برخی برداشت‌های متعارف افراد غیرمتخصص، انسان‌شناسی زبان‌شناختی در این کتاب نه مترادف است با هر نوع مطالعه‌ی زبان که انسان‌شناسان انجام داده‌اند نه معادل بررسی نوشته‌های «ناآشنای»^۴ متعلق به جوامع نافرهیخته و غیرصنعتی. تهیه‌ی گزارشی مکتوب از برخی ویژگی‌های دستوری زبان گفتاری مردم فاقد نوشتار (برای مثال، در جنگل‌های برزیل یا در صحرای کالاهاری) صلاحیت برخورداری از عنوان انسان‌شناسی زبان‌شناختی را به کسی نمی‌دهد، بلکه داشتن اهداف و روش‌های مشخص است که یک تحقیق انسان‌شناسی زبان‌شناختی را از مطالعه یا پیمایش زبان‌شناختی صرف از یک سو و گزارش مردم‌نگارانه از سوی دیگر متمایز می‌کند.

آنچه انسان‌شناسان زبان‌شناختی را از سایر پژوهشگران زبان متمایز می‌کند، فقط توجه آن‌ها به کاربرد زبان نیست که این چشم‌اندازی مشترک است میان سایر محققان

1. interpsychological

2. intrapsychological

3. constitutive

4. exotic

زبان به‌ویژه گویش‌شناسان و جامعه‌شناسان زبان (Hudson 1980)، بلکه تمرکز آن‌ها بر زبان به‌مثابه مجموعه‌ای از منابع نمادین که در بنیان بافت اجتماعی و بازنمایی فردی از جهان‌های بالفعل و ممکن وارد می‌شود. چنین تمرکزی به انسان‌شناسان زبان‌شناختی امکان می‌دهد به‌نحوی نوآورانه به برخی از موضوعات و مباحث محوری در تحقیقات انسان‌شناختی بپردازند، موضوعاتی از قبیل سیاست بازنمایی، بنیان اقتدار، مشروعیت قدرت، مبنای فرهنگی نژادپرستی و منازعات قومی، فرایند جامعه‌پذیری، بر ساخت فرهنگی فرد (یا خود)، مدیریت احساس، رابطه‌ی بین عمل آیینی و شیوه‌های کنترل اجتماعی، دانش و شناخت حوزه-ویژه، اجرای هنری و مدیریت مصرف زیباشناختی، تماس فرهنگی و تغییر اجتماعی.

انسان‌شناسی زبان‌شناختی غالباً یکی از چهار شاخه‌ی سنتی انسان‌شناسی معرفی می‌شود؛ سه حوزه‌ی دیگر، انسان‌شناسی باستان‌شناختی، انسان‌شناسی فیزیکی یا زیست‌شناختی و انسان‌شناسی اجتماعی-فرهنگی^۱ اند. بااین‌همه، این که شخص انسان‌شناس باشد و روی زبان کار کند لزوماً برای این که انسان‌شناس زبان‌شناختی باشد کافی نیست. درحقیقت، ممکن است شخص انسان‌شناس باشد و از یک زبان خاص توصیف دستوری هم به‌دست دهد، اما توصیف او کمک چندانی به نظریه و روش‌های انسان‌شناسی زبان‌شناختی نکند. انسان‌شناسی زبان‌شناختی را باید بخشی از حوزه‌ی وسیع‌تر انسان‌شناسی دانست، اما نه فقط به این دلیل که نوعی زبان‌شناسی است که در گروه‌های آموزشی انسان‌شناسی به‌کار بسته می‌شود، بلکه به این دلیل که زبان را از منظر دغدغه‌های انسان‌شناختی مطالعه و بررسی می‌کند، دغدغه‌هایی چون انتقال و بازتولید فرهنگ، رابطه‌ی میان نظام‌های فرهنگی و اشکال مختلف سازمان اجتماعی و نقش شرایط مادی زیستن در درک مردم از جهان. بااین‌حال، این تلقی از انسان‌شناسی زبان‌شناختی به این معنی نیست که سؤال‌های تحقیقی‌اش همواره باید در

۱. در این‌جا در جهت هدف این بحث، تمایز میان انسان‌شناسی اجتماعی — که ناظر بر بازتولید نظام‌های اجتماعی خاص است — و انسان‌شناسی فرهنگی — که مطالعه‌ی مفاهیمی شناخت‌باور از فرهنگ است که بواسطه‌ی دانشجویانش مطرح کردند — را نادیده می‌گیرم.

دیگر زیرحوزه‌های انسان‌شناسی تعیین شود. برعکس، وجود حوزه‌ی مستقلی به نام انسان‌شناسی زبان‌شناختی فقط تا آن‌جا توجیه‌پذیر است که بتواند برای خودش برنامه‌ی کاری تنظیم کند که از مسائل مطرح در انسان‌شناسی تأثیر بپذیرد، اما تأثیرپذیری‌اش منحصرأ از آن حوزه نباشد.^۱ به‌ویژه، همان‌طور که در ادامه مطرح می‌کنم، در چارچوب انسان‌شناسی اجتماعی-فرهنگی، همه‌ی دیدگاه‌های موجود به فرهنگ به یک اندازه به آن مفهوم پیچیده و پویا از زبان قائل نیستند که هم‌اکنون بیش‌تر انسان‌شناسان زبان‌شناختی مفروض می‌دارند. بسیاری از انسان‌شناسان فرهنگی هم‌چنان زبان را در وهله‌ی اول، نظامی برای طبقه‌بندی و بازنمایی می‌دانند و وقتی صورت‌های زبانی را در مردم‌نگاری به کار می‌برند، باورشان این است که آن صورت‌ها برچسب‌هایی برای معانی مستقل‌اند. ازسوی دیگر، تأکید انسان‌شناسان زبان‌شناختی همواره بر دیدگاهی بوده است که زبان را مجموعه‌ای از اعمال می‌داند که نقشی اساسی در میانجیگری میان وجوه اندیشگانی و مادی وجود انسان و در نتیجه، در خلق شیوه‌های خاصی از بودن در جهان ایفا می‌کند. این نگرش پویا به زبان است که به انسان‌شناسی زبان‌شناختی جایگاه منحصربه‌فردی در علوم انسانی و علوم اجتماعی می‌بخشد.

۲.۱ مطالعه‌ی کنش زبانی

انسان‌شناسی زبان‌شناختی به‌مثابه حوزه‌ای تحقیقی کارش را با این فرض نظری آغاز می‌کند که واژه‌ها اهمیت دارند و نیز با این یافته‌ی تجربی که نشانه‌های زبانی — در مقام عناصری که جهان و رابطه‌ها را بازنمایی‌هایی می‌کنند— هیچ‌گاه خنثا نیستند، بلکه همواره برای ایجاد شباهت‌ها و افتراق‌های فرهنگی به کار می‌روند. موفقیت بزرگ ساخت‌گرایی در زبان‌شناسی، انسان‌شناسی و دیگر علوم اجتماعی را تا اندازه‌ای می‌توان

۱. من در این‌جا فقط تعریف قبلی هایمز را صورت‌بندی مجدد کرده‌ام (1964a: xxiii). «انسان‌شناسی زبان‌شناختی فعالیتی ویژه است؛ فعالیت کسانی که سؤال‌هایشان درباره‌ی زبان از انسان‌شناسی نشئت می‌گیرد ... گستره‌ی آن ممکن است مسائلی را دربر بگیرد که بیرون از دغدغه‌های بالفعل زبان‌شناسان است و همواره مسئله‌ی یکی شدن با بقیه‌ی انسان‌شناسی را مد نظر دارد.»